

Factors influencing spousal murder in the City of Tehran

Alireza Kaldi¹ Hssein Hajbabaei² Nazanin Kianifard³

Abstract:

This research was conducted to illustrate relevant causes of spousal homicide, such as improper Family tradition, legal discrimination, lack of information about laws, difficulties in accessing to Judicial system, lack of appropriate experts/consultants and psychological problems.

Aim: The objective of this study was to address two fundamental questions: What are the Reasons for spouse killing? What solutions can be presented in order to overcome this problem? By Considering pertinent criminal cases presented in courts and prisons in Tehran, this research attempted To discuss about the factors relating to spousal homicide.

Method: The method of this research was based on quantitative and qualitative research, for data Collection, questionnaire was used. Fifty prisoners were asked to participate. Moreover, interview has Been used with spouse killers in three prisons in Tehran. Furthermore, this study has taken into Account the interviews given by lawyers, judges, and consultants.

Results: The outcome of this research points out that there is little difference among spouse killers As far as family, social and educational factors are concerned.

Conclusion: The curtail factors in committing this crime are economical problems, lack of Information as to legal affairs, lack of information as to protective centers, legal cost, imposed and Early marriage, age difference and existing problems of divorce.

Key Words: Homicide, Domestic violence, Legal discrimination, Imposed marriage.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹- Faculty member, University of Social Welfare & rehabilitation Sciences, Professor E-mail: a.r.kaldi@uswr.ac.ir

²- Faculty member, University of Social Welfare & rehabilitation Sciencesesh_hajbabaei@uswr.ac.ir

³- (MA) woman's studies Azad University

همسر کشی (براساس تنگناهای خانوادگی و قانونی در شهر تهران)

علیرضا کلدی؛ حسین حاج بابایی؛ نازنین کیانی فرد

چکیده

هدف: هدف این بررسی شناخت علل موثر بر جرم همسر کشی در شهر تهران می باشد. هم چنین شناخت تنگناهای خانوادگی و قانونی از دیگر اهداف این پژوهش است.

روش: روش این تحقیق پیمایشی است و به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ترکیبی که شامل پرسشنامه محقق ساخته سنجش علل و چگونگی ارتکاب جرم، پرسشنامه سنجش سلامتی، پرسشنامه چک لیست بهداشت روانی (MHC)، پرسشنامه سنجش رفتار خشونت آمیز و پرسشنامه طیف سنجی استفاده شده است. همچنین از روش مصاحبه عمیق با زنان زندانی (همسرکش) و نیز مصاحبه با برخی صاحب نظران و وکلای و مشاورین و متخصصین و قضات در این خصوص استفاده شده است. نمونه آماری این پژوهش را ۵۰ نفر از زنان و مردانی که در خلال سالهای هزار و سیصد و هفتاد و چهار تا هزار و سیصد و هشتاد و چهار مرتکب همسر کشی شده اند (قتل عمد و یا معاونت و مشارکت در قتل عمد همسر) و در زندانهای استان تهران به سر می برند تشکیل می دهد. برای تحلیل داده ها، از روش های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد، حداقل و حداکثر نمره ها) و جداول و نمودارها استفاده شد است.

نتایج: یافته های این تحقیق نشان می دهد افرادی که به جرم همسر کشی زندانی شده اند از نظر مشکلات خانوادگی، ازدواج و آموزش، تفاوت قابل ملاحظه ای با هم ندارند. آنان با مشکلات اقتصادی و مسائلی نظیر بی علاقگی به همسر، ازدواجهای تحمیلی و زودرس، اختلاف سنی، عدم آشنایی با مسائل قانونی، عدم توانایی در امر طلاق، عدم پذیرش طلاق در خانواده آنان، صرف زمان و هزینه زیاد در امر دادرسی بمنظور احقاق حق از طریق مراجع قضایی، ترس از بی آبرویی و عدم اعتماد به نفس کافی روبرو بوده اند. بحث نتیجه گیری: همسر کشی نوع شدید خشونت است. معمولاً افرادی که دست به این خشونت می زنند در تداوم نارضایتی مزمنی عمل می کنند و عوامل مختلفی چون ناتوانی و محدودیت در احقاق حقوق از راه های قانونی، نارضایتی مستمر از زندگی با همسر، ناکامی در طلاق و وجود خلاءهای قانونی، آنان را مجبور می کند تا تحت شرایط غیرعقلانی نقشه قتل بکشند، تصمیم شان را عملی و مرتکب جنایت شوند.

واژگان کلیدی: همسر کشی، خشونت خانوادگی، تبعیض، تنگنای قانونی.

۱- دکترای جامعه شناسی عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی a.r.kaldi@uswr.ac.ir

۲- عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی h_hajbabaei@uswr.ac.ir

۳- کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

مقدمه

همسر آزاری یکی از مشکلات عمده جامعه می باشد و تبعاتی چون انواع آسیب های جسمی روانی و حتی اقدام به خودکشی و دگرکشی را در پی دارد. این مطالعه و تحقیق با هدف تعیین علل و عوامل همسرکشی با برخی از عوامل از جمله تنگناهای قانونی و خانوادگی، انجام شده است.

خشونت در خانواده از جمله کودک آزاری، همسرآزاری، سالمند آزاری از دهه ۱۹۷۰ توجه قابل ملاحظه ای را به خود معطوف ساخته و این مسأله مورد توجه متخصصان قرار گرفته است.

در این تحقیق، از میان عوامل موثر بر پدیده خشونت خانوادگی به مهمترین آن یعنی "همسر کشی" پرداخته شده است، و از میان عوامل متعدد بر پدیده همسر کشی نیز بیان تنگناها و تبعیضات و نارسایی قانون مورد توجه قرار گرفت.

خشونت خانوادگی از جمله "زن آزاری"، "کودک آزاری"، "غفلت در مراقبت از افراد کهنسال" پدیده های شایع و ویرانگری است و آمار و ارقام نشان دهنده عمق این مسأله است که هر ساله میلیونها زن و کودک در جهان قربانی خشونت های خانوادگی می شوند. برای مثال آمار حاکی از آن است که بیش از دو میلیون زن هر ساله در ایالات متحده آمریکا توسط همسرانشان مورد ضرب و جرح قرار می گیرند [۱] و تخمین زده می شود که یک سوم همه زنان در طول دوره بزرگسالی توسط همسر خود مورد تهدید بدنی قرار می گیرند [۲،۳]. طبق شواهد دیوان عالی ایالت متحده آمریکا زنان یازده بار بیشتر از مردان، قربانی خشونت خانوادگی می شوند و در ۹۵٪ از خشونت های خانوادگی، زنان به عنوان قربانی و مردان به عنوان مرتکب شناخته شده اند.

حال سؤال اصلی این است که آیا تنگناها و تبعیضات و نارساییهای موجود در قوانین مدنی و مجازات اسلامی و یا سایر

قوانین موجود و عرف و عادات خانوادگی باعث خشونت و حتی همسرکشی بین زوجین می شود؟

ساندرز [۴]، ۱۶۵ فرد مرتکب را مورد مطالعه قرار داد و به این نتیجه دست یافت که ۵۲ درصد از این افراد مرتکبین فقط در خانه بودند، ۲۹ درصد مرتکبین عمومی بودند و ۱۹ درصد آنها مرتکبینی بودند که از نظر هیجانی بی ثبات بودند و نتایج وی همچنین نشان داد که مرتکبین خشونت عمومی در سوء استفاده از الکل و نیز در خشونت نمرات بالاتری نسبت به دو گروه دیگر کسب کردند.

روزن [۵] طی انجام مطالعه ای که شامل ۲۷۷ آزمودنی بود نتایجی به دست آورد، از جمله اینکه ۲۵ درصد از این افراد گزارش کردند که حداقل یک بار مرتکب خشونت در روابط اخیر شده اند. ۲۸٪ درصد گزارش کردند که حداقل یک بار قربانی خشونت فیزیکی در روابط اخیر شده اند. نتایج همچنین نشان داد که ۴۰ درصد از شرکت کنندگان قربانی حداقل یک بار خشونت فیزیکی والدینشان در دوران کودکی شده بودند، و ۳۲٪ درصد آنها شاهد حداقل یکبار خشونت فیزیکی بین والدین خود در دوران کودکی بوده اند.

سیر و همکاران [۶] در پژوهشی نشان دادند که بین مشاهده خشونت از ماشویی و نیز قربانی خشونت شدن در دوره نوجوانی به وسیله یکی از والدین و پرخاشگری و خشونت در نسل بعدی رابطه معناداری وجود دارد.

در ایران عموماً یک نگرش مثبت نسبت به خانواده وجود دارد، و آن را بهترین مکان برای زندگی افراد می دانند. بنابراین جهت حفظ، پایداری و تداوم آن نیز تحقیقات مختلفی در مورد مسائل و مشکلات آن انجام گرفته است، اما از آنجا که خشونت

شوهران علیه زنان در خانواده امری پنهانی است، مطالعات و تحقیقات اندکی در این زمینه انجام شده است.

نازپرور [۷] پژوهشی تحت عنوان «زن آزاری» انجام داد. این پژوهش با استفاده از نمونه ای تصادفی شامل ۱۰۰ زن که به وسیله همسر خود مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند و ۷۰ نفر گروه مقایسه که به علل دیگری به پزشکی قانونی مراجعه کرده بودند انجام گرفت. یافته های بدست آمده از این تحقیق نشان داد که شایعترین علل درگیریها در خانواده در درجه اول مسائل اخلاقی و تربیتی و پس از آن دخالت های دیگران به ویژه خانواده شوهر و سپس مشکلات اقتصادی بود. همچنین نتایج نشان داد که همسرآزاری در بین مردانی که سابقه زندانی شدن یا بازداشت داشتند و نیز در افرادی که از مواد مخدر یا الکل استفاده می کردند بسیار بیشتر بوده است. ناز پرور در این پژوهش مشاهده کرد که ۳۴۵ درصد از مردان مرتکب خشونت معتاد به دخانیات، ۳۳ درصد اعتیاد به مواد مخدر یا الکل داشتند. از جمله نتایج دیگر این پژوهش این بود که ۴۶ درصد از مردانی که مرتکب خشونت نسبت به همسران خود شده بودند سابقه خشونت در خانواده پدری آنها هم وجود داشت، و این در حالیست که رقم مذکور در بین مردان گروه شاهد فقط ۱۹ بود. در این پژوهش نشان داده شد که زن آزاری متوجه شوهران است، در بین زنان باسواد شایع تر بود. دیگر یافته های این پژوهش این نکته را نشان می دهد که وقتی ازدواج بدون علاقه و رضایت و تحت تأثیر عوامل دیگر صورت می گیرد، امکان همسر آزاری افزایش می یابد.

زنگنه و همکار [۸] تحقیقی تحت عنوان «بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت شوهران علیه زنان در خانواده» با نمونه ای شامل ۳۵۰ زن متأهل ساکن شهر بوشهر انجام داد. نتایج تحقیق او نشان داد که متغیرهای تفاوت سنی زوجین، دخالت خویشاوندان و نزدیکان زوجین، تجربه و مشاهده

خشونت والدین توسط زوجین در خانواده، میزان تحصیلات شوهر، رابطه مثبت و معنی داری با انواع خشونت شوهران علیه زنان (روانی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی) می باشد و متغیر درآمد زن دارای رابطه معکوس و معنی داری با خشونت اقتصادی شوهران علیه زنان در خانواده می باشد. همچنین متغیرهای جنسیت فرزندان، میزان رضایت و علاقه زوجین در انتخاب همسر، وضعیت اشتغال زوجین، نوع شغل زوجین، سابقه وابستگی شوهر به مواد مخدر، تفاوت منزلت شغلی زوجین، تفاوت تحصیلات زوجین و تفاوت درآمد زوجین، ارتباط معناداری با انواع خشونت شوهران علیه زنان در خانواده دارند.

نتایج حاصل از پژوهش معظمی [۹] در خصوص خشونت علیه زنان نشان داد که نیمی (۵۱درصد) از زنان مورد خشونت واقع شده دچار سردردهای عصبی و میگرنی می باشند. ۱۸ درصد از آنها دارای آثار موقت یا دائمی ضرب دیدگی یا سوختگی هستند. ۹/۲ درصد مبتلا به بیماریهای مقاربتی شده اند و ۷/۱ درصد از آنها دچار معده درد و سایر صدمات مانند سقط جنین در اثر ضرب و شتم، ناراحتیهای قلبی و ... شده اند، نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که ۲۹ درصد از مرتکبین این خشونتها معتاد بودند، ۶۲/۱ درصد معتاد به تریاک، ۱۸/۲ درصد معتاد به هروئین و ۱۳/۱ درصد معتاد به الکل و بقیه معتاد به مواد مخدر بودند.

در مورد خصوصیات زیست شناختی و عوامل فیزیولوژیک نیز مطالعات قراوانی صورت گرفته است و بسیاری از هورمونها و ناقل های عصبی از عوامل مهم در رابطه با رفتارهای خشن مردان شناخته شده اند. همچنین تئوری روان تحلیلی فروید، تئوری رفتارگرایی [۱۰] تئوری انتقال میان نسلی، تئوری ناکامی پرخاشگری، تئوری شناختی، نظریه تفاوتهای فردی،

علی رضا کلدی

روش

برای مطالعه موضوع همسرکشی و نیز برای شناخت ابعاد مختلف آن از ترکیبی از دو روش پیمایش (survey) و روش مصاحبه عمیق (intensive interview) استفاده شده است. در روش پیمایشی برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به موضوعات مورد مطالعه (متغیرها) از پرسشنامه استفاده شد. بیشتر سئوال‌های طرح شده در پرسشنامه بصورت مقیاس‌های چندگویه‌ای مطرح شده که علاوه بر بالا بودن میزان پاسخگویی هم امکان شناخت مقاصد ذهنی (subjective meaning) را می‌دهد و هم امکان سنجش متغیرها در سطح فاصله‌ای (interval) و در نتیجه امکان بکارگیری آزمون‌های آماری را فراهم می‌سازد. نمونه مورد مطالعه ۵۰ نفر زندانی در زندان‌های اوین، رجایی شهر و ورامین می‌باشد. در روش مصاحبه عمیق، مصاحبه‌ها بصورت نیم ساخت یافته و در محورهای مربوط به موضوع مورد تحقیق صورت گرفته است. کاربرد دو روش بصورت موازی باعث شد سئوال‌های پرسشنامه با بصیرت بیشتری طراحی و آزمون شود. بعلاوه مصاحبه‌ها نیز در پرتو داده‌های حاصل از کار پهنانگر پیمایشی که شامل نمونه از جامعه مورد مطالعه است انجام شد. برای مصاحبه رو در رو با فرصت نسبتاً خوبی، البته با حضور مراقبین سئوال‌هایی از قاتلین زن به جرم همسرکشی پرسیده شد و درد دل، آرزو، خواسته و انگیزه واقعی آنها شنیده شد و آنان نیز به دور از دغدغه‌های سئوال و جواب‌های بازجویی بازپرسان یا اعتماد متقابل حاصل شده بود به گفتگو پرداختند و هم چنین از آنها خواسته شد تا پرسشنامه‌های طراحی شده را پاسخ دهند. اطلاعات جمع‌آوری شده از طرق مختلف مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از تکنیکهای آماری مناسب سئوال‌ات تحقیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

نظریه آسیب شناسی روانی، نظریه روانشناختی، و نظریه زیست شناختی در تحلیل خشونت خانوادگی مطرح هستند. بلسکی و داتون اظهار می‌دارند که مدل زیست محیطی به شکل چهار مرحله ای نیز در نظر گرفته شده است، که در این شکل، هر مرحله وارد مرحله دیگری می‌شود و به همین دلیل آن را نظریه شبکه ای زیست محیطی نیز نامیده اند. در اولین مرحله متوجه رشد فردی و تجربیات دوران کودکی است که بیانگر مشاهده اعمال خشونت یا قربانی خشونت شدن است. مرحله دوم به نظام خانواده و ارتباط درونی آن توجه دارد. مرحله سوم متوجه نظام خارجی یا ساختار رسمی و غیر رسمی جامعه است که بر خرده نظام تأثیر دارد. مرحله چهارم، نظام کلان است که ارزشهای فرهنگی و الگوهای اعتقادی را شامل می‌شود. در واقع اگر فرهنگی توسل به خشونت را تبلیغ یا تحمل کند افراد خشن دلیلی بر پیروی نکردن از ارزشها نمی‌یابند [۱۱].

در تحقیقی در ۱۵ استان کشور، یافته‌های بدست آمده حاکی از آن است که ۳۳ درصد از شوهرکشی‌ها واکنش نشان دادن به خشونت بوده و از سوی دیگر ۶۷ درصد از شوهرکشی‌ها به دلیل خیانت مرد بوقوع پیوسته است ۴۸ درصد مردان بدگمانی، ۳۵ درصد تعصب و حسادت و وجود شخص ثالث و ۱۳ درصد بی‌توجهی زن به همسر و فرزندان، بی‌علاقگی و بهانه‌جویی و نابسامانی‌های جنسی را علت اختلافات برشمرده‌اند. ۳۵ درصد مردان مباشرت در قتل داشته‌اند ولی مباشرت زنان خیلی کمتر است ۳۳ درصد زنان خود قاتل شوهر نشان بوده‌اند و ۲۲ درصد مشارکت و ۲۸ درصد هم معاونت در قتل شوهر داشته‌اند. بنظر می‌رسد هر جا امکان طلاق راحت‌تر بوده و زنان می‌توانستند تقاضای طلاق کنند میزان همسرکشی کمتر بوده است [۱۲].

یافته ها

نمونه مورد مطالعه شامل ۸۰ درصد مردان و ۲۰ درصد زنان می باشد. همچنین ۵۰ درصد نمونه در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۴۰ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، و ۱۰ درصد نیز در گروه سنی بالا تر از ۴۰ سال قرار دارند. ۸۰ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۴ درصد دیپلم و فوق دیپلم، و ۶ درصد نیز دارای مدرک لیسانس می باشند. در خصوص تعداد افراد تحت تکفل، ۴۰ درصد کمتر از سه نفر، ۲۰ درصد سه تا پنج نفر، ۱۰ درصد بیشتر از پنج نفر، و ۳۰ درصد نیز این سوال را بی پاسخ گذاشته اند. در خصوص تعداد فرزندان، ۸ درصد بدون فرزند، ۲۰ درصد یک فرزند، ۳۲ درصد دو یا سه فرزند، ۱۸ درصد بیش از سه فرزند، و ۲۲ درصد نیز این سوال را پاسخ نداده اند. در خصوص وضعیت اشتغال پاسخگویان، ۱۲ درصد شغل آزاد، ۱۶ درصد کارگر، ۲ درصد کارمند، ۲۰ درصد مشاغل خدماتی، ۴ درصد مشاغل تخصصی، ۳۶ درصد بیکار، و ۱۰ درصد نیز این سوال را بی پاسخ گذاشته اند. در خصوص درآمد اقتصادی پاسخگویان، ۶۰ درصد درآمد پایین، ۳۰ درصد درآمد متوسط، ۴ درصد درآمد بالا، و ۶ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده اند. در خصوص رضایت از شغل قبل از ارتکاب جرم، ۳۴ درصد پاسخ مثبت داده اند حال آنکه ۶۲ درصد پاسخ منفی داده اند. ۴ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده اند. در خصوص وضعیت سلامت پاسخگویان، ۸۰ درصد سالم، ۶ درصد بیمار، ۸ درصد معتاد، و ۶ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده اند. در خصوص محل سکونت پاسخگویان قبل از ارتکاب جرم، ۲۰ درصد در شمال شهر، ۲۶ درصد در مرکز شهر، ۳۸ درصد در جنوب شهر، ۱۰ درصد در حاشیه شهر، و ۶ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده اند. در خصوص مدت ازدواج پاسخگویان قبل از ارتکاب جرم، ۱۰ درصد کمتر از ۶ ماه، ۱۰ درصد بین ۶ ماه تا یکسال، ۵۰ درصد بیشتر از یکسال، و ۳۰ درصد به این سوال

پاسخ نداده اند. در خصوص نوع ازدواج پاسخگویان، ۶۰ درصد دائم، ۶ درصد موقت، و ۳۴ درصد نیز به این سوال پاسخی نداده اند. در خصوص نوبت ازدواج پاسخگویان، ۶۰ درصد بار اول، ۱۴ درصد بار دوم، و ۲۶ درصد به این سوال پاسخ نداده اند. در خصوص سابقه کیفری پاسخگویان، ۲۰ درصد سرقت، ۵۲ درصد ضرب و جرح، ۶ درصد تخریب، ۱۲ درصد توهین و افترا، ۲ درصد جرائم ناموسی، و ۸ درصد سایر موارد ذکر شده است. در خصوص نوع جرم پاسخگویان، ۲۴ درصد ضرب و جرح عمدی، ۶۰ درصد قتل عمد، ۱۲ درصد قتل غیر عمد، و ۴ درصد به این سوال پاسخ نداده اند. در خصوص میزان آزادی در زمان انتخاب و نوع ازدواج با همسر، ۶۰ درصد پاسخگویان خیلی کم، ۲۰ درصد کم، ۱۰ درصد تا حدودی، ۶ درصد زیاد، و ۴ درصد خیلی زیاد را اظهار داشته اند. در خصوص سابقه خشونت خانوادگی در زمان کودکی پاسخگویان، ۸ درصد خیلی کم، ۸ درصد کم، ۴ درصد تا حدودی، ۱۶ درصد زیاد، و ۶۴ درصد خیلی زیاد را اظهار داشته اند. در خصوص سابقه طلاق در بین اعضای خانواده پاسخگویان، ۸ درصد خیلی کم، ۳۰ درصد کم، ۱۰ درصد تا حدودی، ۲۰ درصد زیاد، و ۳۲ درصد خیلی زیاد را اظهار داشته اند. در مجموع، پاسخ دهندگان اظهار داشته اند که در مواجهه با خشم به ترتیب اولویت از: تهدید، کتک زدن، قحاشی و سپس از چاقویا اسلحه استفاده نموده اند. علت و عمل مجرمانه پاسخگویان در جدول زیر مشخص شده است.

علی رضا کلدی

میانگین محاسبه شده نشان می دهد، در مجموع، پاسخ دهندگان بعد از هر درگیری با همسرشان به ترتیب اقدامات ذیل را انجام داده اند: فکر کردن به طلاق، قهر کردن، عدم تمکین جنسی، قطع ارتباط با خانواده همسر، ایجاد رابطه پنهانی، عدم تمکین مالی، فکر کردن به قتل همسر.

به هنگام تصمیم برای قتل، پاسخگویان به ابزار قتاله شامل وسایل برنده، سم، حمله فیزیکی، طناب و سیم فکر می کرده اند که استفاده کنند.

جدول ۳- مقایسه میانگین پاسخها برای استفاده از ابزار قتاله

میانگین	پاسخها
۳/۵۲	وسایل برنده
۳/۲۶	سم
۳/۰۲	سایر
۲/۲۴	طناب و سیم کابل
۲/۱	حمله فیزیکی

میانگین محاسبه شده نشان می دهد، در مجموع، پاسخ دهندگان به هنگام تصمیم گیری جهت اقدام به قتل به ترتیب وسایل قتاله زیر را ترجیح داده اند: وسایل برنده، سم، سایر ابزار قتاله، طناب و سیم کابل، حمله فیزیکی.

عمل مجرمانه به تنهایی، با کمک و راهنمایی دیگری، و یا با مشارکت فرد دیگر انجام شده است.

جدول ۴- مقایسه میانگین پاسخهای نحوه ارتکاب جرم

میانگین	پاسخها
۳/۱۲	به تنهایی
۱/۵۶	با کمک و راهنمایی دیگری
۱/۳۸	با مشارکت فرد دیگر

میانگین محاسبه شده نشان می دهد، در مجموع، پاسخ دهندگان عمل مجرمانه خویش را به ترتیب به ترتیب زیر انجام داده اند: به تنهایی، با کمک و راهنمایی دیگری، با مشارکت فرد دیگر.

جدول ۱- مقایسه میانگین علت و انگیزه عمل مجرمانه

پاسخگویان

میانگین	پاسخها
۲/۰۸	جنون آنی
۳/۸	مشکلات مالی
۴/۷۸	کتک خوردن و فحاشی
۲/۲۸	اعتیاد
۲/۲۶	بدبینی و حسادت
۲/۰۶	خیانت
۲/۰۶	دفاع از ناموس یا فرزند
۲/۰۲	عدم تعادل روانی
۱/۴۶	تعدد زوجین
۱/۴۶	انتقام

میانگین محاسبه شده نشان می دهد، در مجموع، پاسخ دهندگان علت عمل مجرمانه خویش را به ترتیب اولویت: جنون آنی، مشکلات مالی، کتک خوردن و فحاشی، اعتیاد، بدبینی و حسادت، خیانت، دفاع از ناموس و فرزند، عدم تعادل روانی، تعدد زوجین و انتقام بیان نموده اند.

میزان انجام هر یک از اقدامات بعد از هر درگیری با همسر توسط پاسخگویان شامل قهر کردن، قطع ارتباط با خانواده وی، عدم تمکین مالی، عدم تمکین جنسی، ایجاد رابطه پنهانی، فکر کردن به طلاق، فکر کردن به قتل او در جدول زیر مورد بررسی واقع شده است.

جدول ۲- مقایسه میانگین پاسخهای انجام اقدام بعد از هر درگیری

درگیری با همسر

میانگین	پاسخها
۲/۲۶	فکر کردن به طلاق
۲/۰۸	قهر کردن
۲	عدم تمکین جنسی
۲/۷۴	قطع ارتباط با خانواده وی
۲/۲۶	ایجاد رابطه پنهانی
۲/۰۶	عدم تمکین مالی
۱/۶	فکر کردن به قتل او

نشریه مددکاری اجتماعی

جدول ۶- مقایسه میانگین پاسخها در صورت انتخاب راهکار به غیر از قتل

پاسخها	میانگین
مراجعه به مراکز مشاوره	۱/۵
مراجعه به مراکز قانونی و قضایی	۴
مشاوره با آشنایان و دوستان	۳/۷۸
ترک خانه	۳/۵۲

در مجموع، پاسخ دهندگان در صورت انتخاب اقدامی بغیر از قتل به ترتیب اقدامات زیر را مناسب دانسته اند: مراجعه به مراکز قانونی و قضایی، مشاوره با آشنایان و دوستان، ترک خانه، مراجعه به مراکز مشاوره.

پاسخگویان هر یک از راه حل‌های ذیل را به میزانی در کاهش یا جلوگیری از قتل‌های خانوادگی مناسب دانسته اند:

جرم تلقی نمودن فعل خشونت آمیز در حد خیلی زیاد (۸۴ درصد)، ایجاد مراکز حمایتی دولتی و غیر دولتی (در حد متوسط)، ایجاد خط تلفن مشاور در حد زیاد و خیلی زیاد (۷۶ درصد)، فوریت رسیدگی به مسائل خانوادگی در دادگاهها در حد کم (۴۶ درصد)، دخالت فوری نیروی انتظامی در مسائل خانوادگی در حد کم (۳۶ درصد).

پاسخ دهندگان در این تحقیق میزان موافقت خویش را با استفاده از وکلا و مشاورین بصورت رایگان بعنوان راه حلی جهت کاهش قتل‌های خانوادگی، در حد متوسط تا زیاد بیان داشته اند.

جدول ۷- مقایسه میانگین پاسخها در کاهش یا جلوگیری از قتل های خانوادگی

پاسخها	میانگین
جرم تلقی نمودن فعل خشونت	۲/۷۸
ایجاد مراکز حمایتی	۳/۲۶
دسترسی به امکانات مشاوره ای	۲/۱
فوریت رسیدگی به مسائل خانوادگی	۲/۲
دخالت فوری نیروی انتظامی	۱/۹
تسهیل در استفاده از وکلا و مشاورین	۳/۲۶
گزارش مراکز درمانی	۲/۲۲

همچنین پاسخ دهندگان میزان وجود قصد و نقشه قبلی به هنگام اقدام به قتل را در حد متوسط بیان داشته اند. ضمناً پاسخگویان بعد از ارتکاب قتل واکنشهای متفاوتی از خود نشان داده اند.

جدول ۵- مقایسه میانگین پاسخها در خصوص واکنشها بعد از قتل

پاسخها	میانگین
پشیمانی و اندوهگینی	۴/۲
پنهان کردن صحنه قتل	۲/۰۲
فکر کردن به فرار	۳/۷۴
فکر کردن به خودکشی	۲/۲۶
معرفی خود به نیروی انتظامی	۱/۳۸

میانگین محاسبه شده نشان می دهد، پاسخ دهندگان پس از قتل به ترتیب اعمال زیر را انجام داده اند: پشیمانی، پنهان کردن صحنه قتل، فکر کردن به فرار، فکر کردن به خودکشی، معرفی خود به نیروی انتظامی. پاسخ دهندگان میزان رضایت خویش از نحوه رسیدگی و محاکمه در دادگاه را، در حد خیلی کم (۷۸ درصد)، ۱۲ درصد کم، ۶ درصد تا حدودی، ۲ درصد زیاد و ۲ درصد خیلی زیاد بیان داشته اند.

۴۰ درصد پاسخ دهندگان در این تحقیق میزان مقصد دانستن خویش را، در حد خیلی کم بیان داشته اند، ۲۱ درصد در حد کم، ۲۶ درصد تا حدودی، ۱۰ درصد زیاد، و ۳ درصد خیلی زیاد دانسته اند. همچنین پاسخگویان اظهار داشته اند در صورت انتخاب به غیر از قتل، راهکارهایی از جمله مراجعه به مراکز مشاوره، مراجعه به مراکز قانونی و مراجع قضایی، مشاوره با دوستان و آشنایان، و با ترک خانه را انتخاب می نموده اند.

علی رضا کلدی

و اشتغال، طبقه اجتماعی و تعداد فرزندان و نوع ازدواج و دفعات ازدواج و سابقه کیفری و سابقه اعتیاد داشتن یا نداشتن وی می‌باشد.

تمامی مصاحبه‌ها بعلم ممنوعیت ضبط در زندان و مسائل امنیتی، در وقت محدودی به خاطر سپرده می‌شد که بلافاصله پس از خروج از زندان یادداشت‌ها به دقت تکمیل می‌گردید. اطلاعات مربوط به هر پاسخگو بر روی برگه‌های جداگانه بصورت نقل قول مستقیم نوشته شد و سپس گفتگوها مورد تحلیل قرار گرفتند.

در جریان اجرای مصاحبه‌ها به منظور پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق سعی شد مصاحبه‌ها با زنانی که در زندان‌های اوین، ورامین و رجایی شهر در استان تهران هستند انجام شود. البته مصاحبه با مردان با محدودیتی خاص مواجه بود، در ساعت بسیار محدود و با حضور مراقبین و مددکاران و مسئولین زندان انجام می‌شد اما مصاحبه با زنان زندانی از محدودیت کمتری برخوردار بود و در محیط خصوصی و وقت مناسب‌تری انجام می‌گرفت و اغلب زنان با حس صمیمیت بیشتری بدلیل اینکه مصاحبه‌کننده زن بود، برخورد می‌کردند و از امنیت بیشتری برخوردار می‌شدند اما در هر حال سعی می‌کردند فراتر از گفته‌هایشان در مورد چگونگی وقوع حادثه همانظوری که قبلاً در بازجویی‌ها و جلسات رسیدگی در دادسرا و دادگاه‌ها بیان کرده و اقرار کرده بودند نگویند تا مبادا علیه آنها استفاده شود، ولی در مورد مسائل عمومی راحت‌تر صحبت می‌کردند. البته اکثرآ درخواست کمک کرده و از وضعیت خود رضایت نداشته و بیشتر سعی در جلب استمداد در جهت اثبات بی‌گناهی خود می‌کردند.

یافته‌های این مصاحبه‌ها که بهترین تایید برای نتایج این پژوهش بود نشان می‌دهد که اکثرآ زنان ازدواج‌های تحمیلی

میانگین محاسبه شده نشان می‌دهد، در مجموع، پاسخگویان موافقت خویش را با راه‌حلهای بیان شده به ترتیب زیر بیان نموده اند: جرم تلقی نمودن فعل خشونت آمیز، دسترسی به امکانات مشاوره‌ای، تسهیل در استفاده از وکلا و مشاورین، ایجاد مراکز حمایتی، فوریت رسیدگی به مسائل خانوادگی، گزارش مراکز درمانی، دخالت فوری نیروی انتظامی.

در خصوص عوامل مرتبط با همسر آزاری و قتل همسر، سه متغیر اساسی تاثیر گذار بر قتل و همسر آزاری یعنی عوامل اجتماعی، عوامل قانونی و عوامل خانوادگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، که از میان سه عامل اجتماعی، خانوادگی و قانونی، عامل اجتماعی با میانگین ۳/۷۲ از ۵ بیشترین تاثیر را در بروز قتل‌های خانوادگی داشته است.

از آنجا که پدیده همسرکشی موضوعی شامل معنا، تعریف و باز تعریف است برای شناخت ابعاد مختلف آن از روش مصاحبه عمیق نیز استفاده شده است. بدین منظور ۴۵ مصاحبه با زنان زندانی تهرانی و ۸ مصاحبه با صاحب نظران در خصوص موضوع خشونت و همسرکشی صورت گرفته است.

نتایج مصاحبه‌های عمیق را در سه محور می‌توان خلاصه کرد در ضمن مشاهده نام‌های که شامل ویژگی‌های خود مصاحبه‌شونده و ویژگی رفتاری شامل حالات و رفتار، حس شرم و آندوه، پریشانی، گریه کردن، عصبی و خشمگین شدن، بی‌اعتنا بودن، خنده‌های عصبی، بازی کردن مداوم با دست و کاغذ، حالت دیوانگی به خود گرفتن، آرایش داشتن و با طراوت بودن، خجالتی و مظلوم‌نمایی کردن، بی‌حوصله‌گی، شلخته‌گی، امید داشتن چون انداختن زیورآلات در آن محیط به خود، به وضع ظاهر و پوشش و تمیزی خود اهمیت دادن، طرز صحبت کردن (آرام یا پرسروصدا)، استفاده از کلام‌های ناشایست و ویژگیهای شخصی مصاحبه شونده چون سن، تحصیلات و وضعیت تأهل

داشته‌اند و با خشونت از ناحیه شوهرشان رویه‌رو شده‌اند. شخصیت و هویت انسانی آنها نادیده گرفته می‌شده و آنها فقط بدلیل فرزندانشان و مسائل اقتصادی چرخه این خشونت را تحمل می‌کردند که در نهایت با سرریز شدن آستانه تحملشان به زندگی همسرشان پایان داده‌اند.

شوهران هم اکثراً به دلیل سوءظن و بدبینی و حسادت بیمارگونه که بعضاً منشأ واهی داشته و بعضاً صحیح بوده زن خود را به قتل رسانده‌اند.

در این میانه بدلیل عدم اطلاع و آگاهی و همچنین دشواری‌ها و طولانی بودن رسیدگی‌ها در دادگاه‌ها و یا ممنوعیتی که خانواده آنان معتقد به این بودند که طلاق امر زشتی است و در خانواده آنها رسم نمی‌باشد به شدت از آن منع شده و حمایتی نکرده‌اند جالب است که طلاق را امری ناپسند و برخلاف عرف و سنت خانواده می‌دانند ولی قتل را نه!

در مجموع ازدواج‌ها در سنین بسیار پائین اتفاق افتاده بود و به اجبار و بدون علاقه و عشق به یکدیگر. بنابراین بیش از نیمی از آنان ازدواج موقت (البته برای مردان) و یا معشوقه پنهانی (مرد - زن) داشته‌اند. اکثر زنان از شوهران خود کتک می‌خوردند و مورد آزار و اذیت واقع می‌شدند هم‌چنین از نظر اقتصادی متکی به شوهران خود بودند و پس از هر درگیری با شوهرانشان در تحریم اقتصادی به سر می‌بردند. زنان اکثراً از نفس عمل قتل پشیمان بودند ولی نه از قتل شوهرشان چون او را مستحق کشتن می‌دانستند ولی مردان اکثراً پشیمان بودند زیرا ظن و گمان باطلی داشتند و گروهی نیز زن خود را مستحق قتل می‌دانستند با بررسی‌هایی که از این مصاحبه‌ها بعمل آمد بیشتر زنتانی که به جرم شوهرکشی در زندان‌ها به سر می‌برند با کمک فردی بیگانه دست به قتل همسر زده‌اند. این زنان که با آزار و شکنجه شوهر رویه‌رو بوده‌اند برای انتقام‌جویی یا رسیدن به آرزوهای سرکوب شده خود با مرد بیگانه رابطه برقرار کرده‌اند و چون شوهر

برایشان مانع بزرگی است کمر به قتل او می‌بندند و معمولاً مرد بیگانه هم یا زن همدست شده و شوهر را از بین می‌برند بدون اینکه بدانند چه آینده‌ای در انتظارشان است در بررسی زندگی این زنان مشخص شده که اغلب این زنان خیانتکار از دست شوهر بی‌بند و یار و بیکاره‌ای معتاد و بی‌غیرت مجبور به تن‌فروشی شده‌اند و در نهایت از این وضع به ستوه آمده و با همدستی یکی از مشتری‌هایشان مرتکب قتل می‌شوند.

همچنین با تعدادی از صاحب‌نظران با تحصیلات حقوق قضایی و در شغل مشاور قضایی در دادگاه خانواده مصاحبه بعمل آمد، و در خصوص راههای پیشگیری از همسرکشی نیز رفع تنگناهای قانونی مورد تاکید واقع شد.

بحث و نتیجه‌گیری

همسرکشی نوع شدید خشونت است. معمولاً کسانی که دست به خشونت می‌زنند در تداوم نارضایتی مزمنی عمل می‌کنند که این نیز معلول عوامل مختلفی است. ناتوانی و محدودیت در احقاق حقوق زن از راه‌های قانونی در جامعه ما برخی زنان را مجبور می‌کند که خود وارد عمل شوند و برای از بین بردن شوهرشان نقشه قتل بکشند و تصمیم‌شان را عملی کنند. اما برخی مردان به سبب ساختار مردانه و آزاد بودنشان با کوچکترین نارضایتی و نامرادی در روابط مرتکب خشونت می‌شوند و در اثر جنون آنی (که البته طبق گزارشات کمپلیکون‌های پزشکی قانونی و روانپزشکان در حالت نرمال به سر می‌برند و علائمی از جنون در آنها یافت نمی‌شود) در یک لحظه تصمیم به قتل همسر خود می‌گیرند.

۸۰ درصد قتل‌های انجام گرفته توسط زنان به خاطر ترس از شوهر، تحقیر شدن مکرر و آزار جنسی بوده است. زنان همسرکش با نقشه قبلی و در پی مدت‌ها تحمل شرایط خانوادگی، همسران خود را شخصاً و یا به کمک مرد دیگری به قتل رسانده‌اند. فقر، بیکاری، اعتیاد و خیانت نیز از مواردی است

علی رضا کلدی

(روابط پنهانی با غیر شکل می‌گیرد و بدین ترتیب زن به خاطر ادامه این گونه روابط که خلاف شرع و قانون بوده و بنا عرف جامعه نیز در تضاد است با تفکرات شوم، نقشه قتل شوهرش را طراحی و عمدتاً با معاونت دیگری اجرا می‌کند.

کالبدشکافی چنین ماجراهایی تصویری از بیماری‌های یک جامعه در حال گذار را به نمایش می‌گذارد که در آن مغایرت و تضاد «باید ذهنی و فراگرفته» با واقعیات موجود عرصه را آنقدر تنگ می‌کند که گاه به زعم متهمان، ارتکاب جنایت در دستیابی به هدف، آسان‌تر از پیگیری قانونی است.

در مجموع زنان در برزخ تضادهای سنت‌های دیروز و آزادی‌های تعریف نشده امروز گرفتار شده‌اند. افزایش میزان تضادها و مرز آزادی افراد گاه به سطحی از اختلاف تبدیل می‌شود که هر یک از زوجین به دنبال راه‌حلی برای خلاصی از وضع موجود و رسیدن به

خواسته‌های خود بوده و در شرایطی که راه‌های متعددی برای خروج مردان از بن‌بست‌های متصور وجود دارد، زنان گرفتار در برزخ‌های تضادها و محدودیت‌ها در پی تخلیه احساسات شدید علیه شوهرانشان به فکر راهی برای نجات خود از جمله از میان برداشتن همسر خود می‌افتند.

با کم‌رنگ شدن عواطف درون خانواده و مشکلات بی‌شمار اقتصادی، اجتماعی که موجب بی‌توجهی به شرایط روحی و روانی افراد می‌شود و در این شرایط ظهور «عشق جایگزین» برای پر کردن خلاءهای عاطفی و شکل‌گیری روابط نامشروعی که همراه عذاب وجدان است مسیر این افراد را به جایی می‌رساند که به طراحی نقشه قتل روی می‌آورند.

هم‌چنین سیستم حمایتی از زنان شکنجه شده درخانه شوهر روشن نیست و در بسیاری موارد به نفع مردان است بطوریکه زنان دچار تعارض شده و دستشان به جنایت آلوده می‌شود.

که همواره در ایران باعث شوهرکشی می‌شود. بیشتر زنان همسرکش از کمبود محبت در رنج بوده‌اند ۹۵ درصد زنان پس از قتل همسرانشان نه تنها پشیمان نبودند بلکه در بازجویی‌ها اعلام کرده‌اند اگر زمان بازمی‌گشت باز هم اقدام به قتل همسرشان می‌کردند. در حالی که بسیاری از مردان بعد از قتل ابراز پشیمانی کرده‌اند.

اصلی‌ترین علل عمده ارتکاب شوهرکشی به دلیل نارضایتی مستمر از زندگی با همسر به دلایلی چون ضرب و شتم، اعتیاد شوهر، ناکامی در طلاق و وجود خلاءهای قانونی بوده که نسبت به شرایط موجود کم تحمل شده و تحت شرایط غیرعقلانی مرتکب جنایت می‌شود و یکی از علت‌ها نشأت گرفته از حس انتقام‌جویی است که در جریان مواجهه زن با خیانت شوهر و برقراری روابط نامشروع او با زن دیگری ایجاد شده است، که آنهم بدلیل اجازه‌ای که قانونگذار برای تعدد زوجات دائم و اختیار کردن بی‌نهایت همسر با ازدواج غیردائم به مردان داده است که شاید اگر این مسأله در قانون منع می‌شد و یا حداقل شرایط و محدودیت‌هایی ایجاد می‌شد و یا به زن حق طلاق و سایر حقوق به ازاء آن داده می‌شد، از دامنه و وسعت آن کم می‌کرد و این حسادت طبیعی زنانه را که باعث انتقام‌گشایی می‌گردد کم‌رنگ‌تر می‌نمود. چرا که حسادت طبیعی زنان باید خاموش باشد، ولی حسادت طبیعی مردان به آنها اجازه می‌دهد قانونگذار به مرد اجازه می‌دهد که به راحتی مرتکب قتل شود و مجازات هم نگردد (ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی) ولی اگر شعله حسادت زنانه تحریک شود و وی مرتکب قتل و انتقام از شوهرش بشود همانند یک جانی بالفطره با او رفتار می‌شود.

آخرین شکل بروز خشونت از سوی زنان همسرکش مربوط به روابط نامشروع زن به دلایل مختلف و از جمله کمبودهای عاطفی و روانی او در زندگی زناشویی‌اش است که در پی آن

منابع:

۱. Straus, M.A., & Smith, C. (۱۹۹۰). Family patterns of primary prevention of family violence. In M.A. Straus & R.J.Gelles (Eds.), *Physical violence in American families: risk factors and adaptations to violence in ۸۱۴۵ Families* (pp.۵۰۷-۵۲۶). New Brunswick, NJ: Transaction Books.
۲. Browne, A. (۱۹۸۷) when battered women kill. New York: The Free Press.
۳. Browne, A. Salomon, A., & Basic, S.S. (۱۹۹۹) Impact of recent partner violence on poor women's capacity to maintain work. *Violence against Women*, ۵(۴), ۳۹۳-۴۲۶.
۴. Saunders, D.G., & Size, P.B. (۱۹۸۶) Attitudes about woman abuse among police officers, victims, and Victims' advocates. *Journal of Interpersonal Violence*, ۱, ۲۵-۴۲.
۵. Rosen, D. (۲۰۰۴). "I just let him have his way": Partner violence in the lives of low-income, teenage Mothers. *Violence against Women*, ۱۰, ۶-۲۸.
۶. Cyr, M., McDuffie, P., & J. Wright (۲۰۰۴). Prevalence and predictors of dating violence among adolescent Female victims of child sexual abuse, *Journal of International Violence*, ۲۱(۸), ۱۰۰۰-۱۰۱۷.
۷. نازیروز، بشیر (۱۳۸۱) همسر آزاری، پژوهش زنان، شماره ۳، ۲۳-۲۵.
۸. زنگنه، محمد، احمدی، حبیب (۱۳۸۱) بررسی جامعه شناختی عوامل موثر در خشونت شوهران بر ضد زنان، بوشهر.
۹. معظمی، شهلا (۱۳۸۳) حمایت از زنان در برابر خشونت های خانگی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳، ۲۳۳-۲۵۰.
۱۰. کار، مهر انگیز (۱۳۸۰) پژوهش در خشونت علیه زنان در ایران، تهران، روشنگران.
۱۱. اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) خشونت خانوادگی، تهران، روشنگران.
۱۲. اشوری، محمد، معظمی، شهلا (۱۳۸۰) همسر کشی در ۱۵ استان کشور، پژوهشی در مسیر تحقیقات علوم جزیایی و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی